



مصمم در تأمین امنیت منطقه

وزیر امور خارجه گفت: رژیم اسرائیل شهید موسوی را ترور کرد اما چیزی از اهداف جمهوری اسلامی برای تأمین حداکثری امنیت در منطقه و ایران نخواهد کاست بلکه ما را در این مسیر مصمّمتر خواهد کرد. حسین امیرعبداللهیان در حاشیه مراسم بزرگداشت شهید سیدرضی موسوی در جمع خبرنگاران گفت: شهید موسوی یکی از بهترین نیروهای انقلاب بود. من در همه سفرهایم به سوریه در سال‌های متماهی با این شهید ارتباط داشتم‌م‌م‌م‌م‌م دیدم صادقانه، صمیمانه و مخلصانه برای تأمین حداکثری امنیت ملی و امنیت منطقه در مبارزه با تروریسم تلاش می‌کرد. وی افزود: تردید نکنید که مسیر و راه این شهید ادامه پیدا خواهد کرد. رژیم غاصب این شهید را ترور کرد اما چیزی از اهداف جمهوری اسلامی ایران برای تأمین حداکثری امنیت در منطقه و کشورمان نخواهد کاست بلکه ما را در این مسیر مصمّمتر خواهد کرد. وزیر امور خارجه یادآور شد: البته رژیم صهیونیستی در بیش از ۸۰ روز گذشته دو شکت را متحمل شده است؛ شکت اول روز هفتم اکتبر بود در این روز اسرائیل در بُعد سیاسی و امنیتی به تمام معنا فرو ریخت و در ۸۰ روز گذشته نیز با مقاومت غزه در ابعاد نظامی فرو ریخت.



احتمال تبادل سفیر میان ایران و مصر

«رخا احمد حسن» عضو شورای امور خارجه مصر جمعه‌شب در گفت‌وگو با خبرنگاری اسپوتنیک روسیه از احتمال بازگشت روابط ایران و مصر به عالی‌ترین سطح خود یعنی تبادل سفیر خبر داد. او با اشاره به تماس تلفنی ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران با «عبدالفتاح السیسی» و تبریک به او جهت پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر، گفت که روابط دو کشور به شکل قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است. «رخا احمد حسن» افزود: «در جریان این تماس تلفنی، دو رئیس‌جمهور در خصوص گسترش روابط دو جانبه و مسائل منطقه‌ای از جمله موضوع غزه و دریای سرخ با یکدیگر گفت‌وگو کردند.» معاون سابق وزیر خارجه مصر با اشاره به تلاش‌های «هیثم بن طارق» سلطان عمان، گفت که احتمال دارد تبادل سفرا پس از تحلیف «عبدالفتاح السیسی» صورت گیرد.



واکنش کنعانی به بیانیه تروئیکا

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به بیانیه مشترک آمریکا و سه کشور اروپایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران اظهار داشت: همانطور که بارها تأکید شده است، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره صلح‌آمیز بوده و خواهد بود. سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: بسیار مضحک است که کشورهایه‌ای که خود مسئول شرایط فعلی در مورد برنامه هسته‌ای ایران هستند، با قلب واقعیت‌بندنبال تغییر مقصر و قربانی هستند. این کشورها بهتر است به جای فرافکنی و موضع‌گیری‌های سیاسی، بر عملکرد خود در قبال مذاکرات رفع تحریم‌ها در ۲ سال گذشته مروری داشته باشند و نتیجه سیاست‌های غیرسازنده خود را مشاهده کنند. غنی‌سازی در سطح ۶۰ درصد در مراکز غنی‌سازی ایران، همواره متناسب با نیازهای صلح‌آمیز کشور و به‌طور کامل زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده‌و‌ادامه خواهد داشت. ایران به همه حقوق و تعهدات بین‌المللی خود واقف است و در همین چارچوب، به همکاری‌های خود با آژانس ادامه خواهد داد.

نگاه به شرق ایران از سر ناگزیری است

ارزیابی تاریخی روابط ایران و روسیه در گفت‌وگو با جهانگیر کرمی



تحولات بزرگ تاریخی مثل جنگ‌ها و بحران‌های اثرگذار، وضعیت اقتصادی یک کشور و مجموعه‌ای از عناصری که در سیاست تأثیرگذار هستند از این فیلتر عبور می‌کنند. این فیلتر آن‌نگرش بین‌ذهانی، بین مردم و دولتمردان است که برآمده از آن عناصر تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی است و از نسلی به نسل دیگر از طریق جامعه‌پذیری سیاسی منتقل می‌شود.

یعنی این‌طور نیست که فرهنگ سیاسی به شکل جبرگیرانه رفتارهای سیاسی را تعیین می‌کند. اگر چه در نگاه نسل اول نظرپیردازان آن چنین موضوعی مطرح بود، اما در نسل‌های بعدی این‌نگرش تعدیل شد و اینها به هیچ‌وجه مدعی نیستند که فرهنگ سیاسی متغیر تعیین‌کننده و قاطع است بلکه معتقدند این عامل در کنار سایر متغیرها و عموماً هم به‌عنوان میانجی میان متغیرهای جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار است، به‌ویژه اینکه نقش کاتالیزور و واسطه و میانجی را دارد که سایر مقوله‌ها از این طریق درک می‌شوند و این درک بین‌الذهانی به شکل جامعه‌پذیری سیاسی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و از این‌رهگذر شکل می‌گیرد. در حقیقت، مقوله فرهنگ سیاسی فراتر از افکار عمومی و ایدئولوژی‌هاست و از تداوم و پایداری بیشتری برخوردار است و لذا محصولاتی مانند مردم‌سالاری و توسعه عموماً در ارتباط با مقوله فرهنگ سیاسی کشورها هستند.

لذا در مورد روسیه هم ما منکر اهمیت ژئوپلیتیک نیستیم بلکه موضوع اصلی آن است که عناصر محیطی و جغرافیایی در گذر زمان چگونه از سطح عینی به ژرفای ذهن‌ها و فضای بین‌ذهنی مردم و نخبگان روس رفته و حتی در زمان‌های غیرتهدیدی هم نتایج همان بوده است که قبلاً محقق می‌شده است. کسی نمی‌تواند منکر محیط و ژئوپلیتیک بر رفتار دولت‌های روسی باشد. اما تنها این عامل تعیین‌کننده نیست و فرهنگ سیاسی می‌تواند پیوستگی این عنصر با سایر عناصر و تداوم زمانی آن را بهتر برای ما قابل درک نماید.

«یکی از موضوعاتی که در کتاب مورد اشاره قرار گرفته و تاگی دارد، اشاره به جایگاه کلیسای روسیه و موعودگرایی در فرهنگ سیاسی این کشور است. الکساندر دوئین اندیشمند روس هم در سفر به ایران روی این موضوع تأکید خاصی داشت. این جایگاه چگونه پدید آمده است؟»

در مسیحیت ارتدوکس عناصر اندیشه موعودگرایی از زمان شکل‌گیری این باور وجود داشته است اما تبدیل آن به یک جریان مهم و یک فرهنگ سیاسی پایدارتر به دوران پس از پیروزی روس‌ها بر مغولان در اواخر سده پانزدهم میلادی برمی‌گردد. بعد از یک سیه‌تره ۲۴۰ ساله مغولان، این موضوع از دو جهت اهمیت پیدا کرد، یکی عظمت پیروزی بر آنها و شرایط غرورآمیزی که در روس‌ها ایجاد شده بود، چون تصور نمی‌کردند مغول‌ها را شکست بدهند و یک بخشی هم بحث شکست مرکزیت کلیسای ارتدوکس بود که به‌خاطر سقوط قسطنطنیه در اواسط سده پانزدهم به وجود آمده بود. در نتیجه کلیسای روس نمی‌خواست پیرو کلیساهای متقدم‌تر مثل کلیسای قسطنطنیه و کلیسای بیت‌المقدس که در تصرف عثمانی‌ها بودند، قرار بگیرند. کلیسای یونان هم خیلی برای روس‌ها دور بود و تفاوت‌های فرهنگی هم به لحاظ قومی و ملی داشتند. در دوره جدید بعد از مغول‌ها، روس‌ها خودشان را روسیه بزرگ می‌دانستند و از کی‌یف به‌عنوان روسیه کوچک یاد می‌کردند و مایل به تبعیت از کلیسای کی‌یف هم نبودند. در نتیجه نیاز داشتند که برای مرکزیت جهانی کلیسای ارتدوکس مسکو تئوری‌سازی کنند و لذا آمدند و تئوری‌پردازی کردند و عظمت پیروزی و ضرورت اتکا به درون روسیه برایشان تبدیل به یک موضوع خیلی مهم شد و بخشی از آن نیز به این نکته برمی‌گشت که پیروزی بر مغولان جنبه مذهبی بسیار گسترده‌ای داشت؛ به‌طوری‌که برای دو قرن دولت روسیه به شدت مذهبی شد.

همین امر باعث شد سرنوشت این‌ها با اروپا متفاوت باشد و شرایط متفاوتی را تجربه کنند. چون در اروپا مسیحیت کاتولیک به‌خاطر ظهور پروتستانتیسم تضعیف شده بود و اساساً کل امپراطوری مقدس روم و وجهه مذهبی آن زیر سؤال رفته بود. اصلاحات دینی گسترده ایجاد شده بود و برخلاف آن، در روسیه این دوره، درست زمانی است که به کمک مذهب به پیروزی می‌رسند و مذهب نقشی آزادی‌بخش پیدا می‌کند و مجموعه این‌ها باعث می‌شود یک نوعی از آخرالزمان‌گرایی و موعودگرایی به‌طور خیلی جدی‌تر در کلیسای ارتدوکس روسی به وجود بیاید و مسکو را روم سوم بدانند که پس از آن حکمرانی به دست مسیحایی سپرده می‌شود.

«برخلاف تصویری که در جامعه ما وجود دارد، مطالعات روسیه در جامعه ما چندان سابقه‌ای ندارد و عمده تصورات ما درباره روسیه است که به کلیشه‌هایی درباره شوروی و روسیه تزاری برمی‌گردد. با چنین شرایطی ضرورت‌های شناخت روسیه به‌ویژه برای جامعه ایرانی چیست؟»

نکته نخست در مورد روسیه یکی اهمیت و جایگاه این کشور است که براساس برآوردهای فوربس در سال ۲۰۲۳ روسیه سومین کشور قدرتمند جهان است. برآوردهای این مؤسسه به‌گونه‌ای است که صرفاً قدرت نظامی مدنظرش نیست، بلکه اقتصاد، سیاست، جغرافیا و جمعیت را مدنظر قرار می‌دهد.

واقعیت دیگر این است که روسیه به‌خاطر همین قدرتش در مسائل اوراسیایی، اروپایی، شرق آسیا و خاورمیانه نقش مهمی دارد؛ اگر چه شدت و ضعف این نقش از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است، ولی آنچه مهم است، نقش غیرقابل انکار روسیه در مناطق مختلف دنیااست. یعنی روسیه در خیلی از بازی‌ها حتی در مسائل مربوط به آمریکای لاتین یا در آفریقا ورود می‌کند. پس روسیه قدرت مهمی است و نمی‌شود آن را در سیاست بین‌الملل نادیده گرفت. حتی اگر نظام بین‌الملل را چندقطبی بدانیم، طبیعتاً یکی از بازیگران آن بعد از آمریکا و چین یا حتی گاه پیش از چین، روسیه خواهد بود.

بحث مهم در شناخت روسیه امروز به بعد از دوره فروپاشی شوروی برمی‌گردد و سرنوشتی که روسیه در دوران گذار از نظام شوروی به نظام جدید پیدا کرد، چه در دوره یلتسین و چه بعداً در دوره پوتین، که به‌نوعی حتی یک بازگشتی به آن سرچشمه‌های قدیمی‌تر سیاست روسی است. البته روسیه امروز را باید با مختصات دنیای امروز و واقعیت‌های درونی روسیه و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی شناخت اما به هر حال سیاست امروز روسیه، بنا به ادعای پوتین و نظریه‌پردازان دولت‌گرای روسیه، به‌شدت به گذشته خود، هویت کهن روسی، سنت‌های روسی و آنچه که به‌زعم خودشان تمدن روسی است، شکل می‌گیرد. پس هر فهمی از روسیه امروز به ناگزیر بنا به شرایطی که دولت فعلی روسیه دارد باید با نگاهی به تاریخ و گذشته روسیه باشد چرا که دولت کنونی روسیه خودش را نه با مفاهیم و ایده‌های نو، چون لیبرالیسم، سوسیالیسم و یا هر ایدئولوژی دیگر تعریف می‌کند، بلکه عمدتاً روی هویت تمدنی، تاریخی و فرهنگی روسی تأکید دارد. در سند تدوین سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد نیز ما دیدیم که به‌عنوان یک مفهوم جدید در این متن، به روشنی به هویت و تاریخ روسیه تأکید شده است.

از این‌رو، برای مای ایرانی نیز مهم است که با توجه به نقش بین‌المللی روسیه و نیز اهمیت آن در محیط منطقه‌ای کشورمان و نیز روابط دو جانبه با آن، شناخت ژرف‌تری از آن داشته باشیم. به‌ویژه اینکه سیاست رسمی کشورمان هم در این سال‌ها با عناوینی چون شرق‌نگری، بر همکاری گسترده‌تر با مسکو متمرکز شده است اما همانطور که شما هم اشاره کردید، بایستی فراتر از کلیشه‌های رایج و نیز روایت‌سازی غربی و یا حتی روایت‌های روسی به‌موضوع بنگریم. **«کتاب «فرهنگ سیاسی روسیه» از چه منظره‌ای به شناخت و معرفی روسیه پرداخته است؟»**

کتاب «فرهنگ سیاسی روسیه» داعیه‌اش آن است که اگر بخوایم سیاست امروز روسیه و کارکردها و رفتارهای دولت روسیه را دقیق‌تر بفهمیم، باید به آن سرچشمه‌های قدیمی‌تر بگردیم و یک نوع تبارشناسی در مورد مفهوم دولت، حاکمیت، قدرت، اقتدار، مشروعیت و موضوعاتی که عمدتاً در گذر تاریخ شکل می‌گیرند و نگرش مردمان آن سرزمین به این مقولات صورت بگیرد. اساساً نظریه فرهنگی سیاسی هم از زمان پیدایی به‌عنوان یک نگرش نو به امر سیاسی، ادعایش این بوده که فهم از سیاست و رفتار سیاسی دولت‌ها را از منظر فرهنگی و در واقع، نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های سیاسی مردم را در رابطه با دولت و حاکمیت و همین‌طور نگرش دولت به مردم بررسی کند. بایستی اشاره نمایم که نظریه فرهنگ سیاسی مقوله‌ای نو در مطالعات سیاسی است و سابقه آن در جهان عمدتاً به میانه‌های سده بیستم برمی‌گردد و پس از آن به تدریج بانی نو در مطالعات سیاست باز شد که با تقلیل امر سیاسی به اقتصاد یا ساختارهای مادی‌تر مخالفت می‌کرد.

«در شناخت روسیه تا چه میزان مفهوم فرهنگ سیاسی اهمیت دارد و آیا پیش از مسائل فرهنگی این ژئوپلیتیک روسیه نیست که به سیاست خارجی این کشور شکل می‌دهد؟»

طبعاً رسیدن به درکی که بتواند سهم هر کدام از مؤلفه‌های فرهنگی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و مذهبی و خیلی از موضوعات دیگر که می‌تواند در سیاست تأثیرگذار باشند را مشخص کند، کار خیلی دشواری است و داعیه نظریه فرهنگ سیاسی که این کتاب در چارچوب آن نوشته شده، این است که فرهنگ سیاسی یک متغیر مستقل و تعیین‌کننده نهایی نیست بلکه بیشتر یک متغیر میانگین است؛ به این معنا که شرایط ژئوپلیتیک، عناصر مذهبی،

